

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۷، پاییز و زمستان ۱۴۰۴، شماره ۳۴

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۲۳۲-۲۰۱

مشایخ یک راوی، منبعی برای شناخت بهتر او؛ نمونه: بررسی استادان ابوالفضل شیبانی

محمد عافی خراسانی*

حامد دژآباد**

چکیده

برای شناخت راویان حدیث، معمولاً فقط به سخنان رجالیان درباره ایشان بسنده می‌شود؛ حال آنکه گزینه‌های دیگری نیز وجود دارند که گاه می‌توانند ما را به شناسایی بهتر راویان رهنمون سازند. یکی از این گزینه‌ها، بررسی مشایخ یک راوی و نوع رابطه وی با ایشان است. در این مقاله، برای روشن‌تر شدن این گزینه، بر روی یک محدث خاص به نام ابوالفضل شیبانی (د ۳۸۷ق) تمرکز شده که محدثی مشهور و دارای انبوهی از مشایخ بوده است. در این مقاله، تلاش شد تا جدا از داده‌های منابع رجالی، از راه تحلیل مشایخ ابوالفضل نیز به شناخت دقیق‌تری درباره وی دست یافته شود. در این راستا، با تحلیل ویژگی‌های علمی و مذهبی در مجموعه استادان ابوالفضل و مقایسه آن‌ها با ویژگی‌های خود او، روشن شد که با توجه به تنوع مذهبی بالا در میان مشایخ وی، به نظر می‌رسد وی بیشتر به فراوانی شمار احادیث خود، قرب اسناد و دستیابی به رتبه «حافظ» اهمیت می‌داده و حساسیت چندانی روی مذهب استادانش نداشته است. همچنین این تنوع مذهبی نشان از رشد نیافتن ابوالفضل مطابق با منش‌های حدیثی امامیه دارد و می‌تواند چرایی تفاوت‌های محسوس در سندهای وی با نوع سندهای محدثان امامیه را تا اندازه‌ای روشن سازد. افزون بر این، روشن شد که در میان انبوه مشایخ ابوالفضل، احتمالاً ابن عقده (د ۳۳۲ق) بیشترین تأثیر را بر شخصیت وی از جهت‌های گوناگون داشته است؛ از جمله گرایش‌های مذهبی، علاقه به موضوعاتی خاص برای تألیف و شیفتگی به دانش حدیث و حافظ بودن.

کلیدواژه‌ها: ابوالفضل شیبانی، ابن عقده، مشایخ و شاگردان، تأثیرگذاری مشایخ حدیثی بر شاگرد، شخصیت‌شناسی راویان.

* دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده‌های فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران، نویسنده مسئول، m.afi@ut.ac.ir

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده‌های فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران، h.dejabad@ut.ac.ir

۱. مقدمه

ابوالفضل شیبانی، از محدثان بسیار پویا در حوزه‌های حدیثی شیعه و سنی است و نام وی در انبوهی از سندهای فریقین به چشم می‌خورد. تضعیف وی در منابع رجالی فریقین (برای نمونه در شیعه ر.ک: ابن غضائری، ۱۳۶۴ش: ۹۸؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۳۹۶؛ طوسی، ۱۴۲۰ق: ۴۰۱؛ همو، ۱۳۷۳ش: ۴۴۷؛ در اهل سنت: خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۸۶؛ ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۳: ۶۰۷؛ ابن حجر، ۲۰۰۲م، ج ۷: ۲۵۳) باعث شده که پیش‌فرض ذهنی در غالب محققان این‌گونه باشد که با مشاهده نام وی در یک سند، آن حدیث را به حاشیه رانند (تنها برای نمونه ر.ک: خوئی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲: ۱۵۸).

اما به نظر می‌رسد نمی‌توان به گفته‌های موجود در منابع رجالی بسنده نمود؛ زیرا جدا از آسیب‌های دیدگاه رجالیان، مانند وارد کردن اتهام نادرست به غلو و... (برای نمونه ر.ک: شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸: ۵۹۴۸؛ حسینی جلالی، ۱۴۲۲ق: ۸۹)، سرخ‌های دیگری خارج از منابع رجالی نیز وجود دارند که می‌توانند زوایای دیگری از شخصیت راوی را برای ما آشکار سازند و بی‌توجهی به آن‌ها باعث شناختی ناقص از او می‌شود.

یکی از این سرخ‌ها، بررسی سندها و محتواهای احادیث راوی است؛ چنان‌که حتی در منابع رجالی نیز گاهی برای دآوری درباره راوی، دقیقاً از همین روش استفاده شده است (برای نمونه ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۲۵۵)؛ بنابراین اگر ما بتوانیم خودمان این کار را انجام دهیم، نوبت به تقلید از رجالیان نخواهد رسید؛ بلکه حتی می‌توان دآوری آن‌ها را نیز به‌بوت نقد کشاند؛ به‌ویژه در منابع کهن برجای مانده از رجال و فهرست شیعه که بیشتر به تعبیرهایی مانند «ثقة» یا «ضعیف» بسنده شده و کمتر به گزارش ویژگی‌های شخصیتی راوی که می‌تواند زمینه‌ساز شناخت دقیق‌تری از وی گردد، پرداخته شده است؛ درحالی‌که با نگاه به محتوا و سندهای حدیثی یک راوی، می‌توان به بخشی از ویژگی‌های دیگر وی نیز دست یافت.

از مهم‌ترین محورها در راستای بررسی سندهای یک راوی، بررسی استادان و مشایخ اوست. به نظر می‌رسد شناخت و تحلیل استادان راوی، می‌تواند قرینه‌ای - هرچند ناقص - برای کشف نکته‌های شایان توجهی درباره شخصیت وی از جهت‌های گوناگون از جمله سه جنبه روحیه فردی،^۱ علاقه‌ها^۲ و گرایش مذهبی راوی^۳ باشد.

این مقاله در پی آن است که با واکاوی سندهای حدیثی ابوالفضل و با تمرکز بر تحلیل استادان وی، به بررسی این سه محور در شناخت دقیق‌تر او پردازد و راه تازه‌ای در کشف ویژگی‌های شخصیتی وی، به صورت مستقل از منابع رجالی بی‌ماید. گفتنی است تحلیل روایت راوی از استادانش می‌تواند در شناخت راست‌گویی یا ضبط و دقتِ راوی نیز تأثیرگذار باشد. مثلاً اگر در مواردی بینیم یک راوی در تاریخی خاص از استادی نقل می‌کند که آن استاد در آن زمان درگذشته یا در آن شهر نبوده است، این قرینه‌ای مهم در زیرسؤال بردنِ راست‌گویی یا ضابط بودنِ راوی است. اما از آنجاکه نگارنده این سطور در مقاله‌ای دیگر که در پیشینه به آن اشاره می‌شود (در بررسی قرب اسناد ابوالفضل)، به تفصیل به بررسی این مسئله پرداخته، در اینجا بدان نمی‌پردازد.

۲. پیشینه پژوهش

در منابع رجالی و فهرستی، بیشتر، سخن درباره وثاقت یا کتاب‌های ابوالفضل بوده است (ر.ک: ابن غضائری، ۱۳۶۴ش: ۹۸؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۳۹۶؛ طوسی، ۱۴۲۰ق: ۴۰۱)؛ گرچه در برخی از آن‌ها به نام اندکی از استادان وی - بدون هیچ تحلیلی - اشاره شده است (برای نمونه ر.ک: ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۵۴: ۱۴؛ ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۳: ۶۰۷؛ ابن حجر، ۲۰۰۲م، ج ۷: ۲۵۳). تنها خطیب بغدادی در تاریخ بغداد، گزارشی درباره روایت ابوالفضل از یکی استادانش (ابن عَرَاد) و تناقض‌گویی وی در بیان تاریخ سماعش نقل کرده است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۸۶) که نگارنده در مقاله‌ای جداگانه، به تفصیل، این تناقض‌گویی ابوالفضل را تحلیل نموده که در نوبت چاپ قرار دارد.

در روزگار معاصر نیز، پژوهش‌هایی درباره ابوالفضل انجام شده است؛ از جمله مدخل‌های دانشنامه‌ای که فشرده به زندگی و شخصیت حدیثی وی پرداخته‌اند (ر.ک: پاکتچی، ۱۳۷۳ش؛ رحمتی و رضایی، ۱۳۹۹ش). همچنین در نگاشته‌های گوناگونی از آقای حسن انصاری، موشکافانه به شخصیت و کتاب‌های گوناگون او پرداخته شده است (ر.ک: انصاری، ۱۳۸۶ش؛ همو، ۱۳۹۰ش).

در سال‌های اخیر نیز پایان‌نامه عالمانه‌ای درباره ابوالفضل کار شده که در آن به نقش وی در روایات تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام پرداخته شده است (ر.ک: ذاکری، ۱۳۹۸ ش). همچنین مقاله‌ای برگرفته از همان پایان‌نامه منتشر شده که موشکافانه به واکاوی تصرفات ابوالفضل در روایات خود پرداخته است (ر.ک: ذاکری و صفری فروشانی، ۱۳۹۹ ش). اندکی پس از آن نیز مقاله‌ای ارزشمند در تکمیل آن نگاشته شده (ر.ک: اکبری، ۱۳۹۹ ش) که نکته‌های مهمی درباره ابوالفضل با درنگ در طبقات موجود در سندهای وی بیان کرده است. در پژوهش دیگری نیز به دقت، به تناقض‌گویی ابوالفضل در سندهای حدیثی‌اش پرداخته شده و شواهدی درباره آن بیان شده است (ر.ک: اکبری و ذاکری، ۱۴۰۰ ش، سراسر اثر). هم‌زمان با این مقاله، مقاله دیگری نیز در بررسی قرب اسناد ابوالفضل نگاشته شده و در آن نیز از برخی تناقض‌گویی‌های ابوالفضل پرده برداشته است (ر.ک: عافی خراسانی، ۲۰۲۱ م). نگارنده این سطور نیز پژوهش‌های دیگری در بررسی و بازسازی کتاب‌های ابوالفضل (همو، ۱۴۰۰ ش [الف])، نام‌ها و نسب وی (همو، ۱۴۰۱ ش [ب]) و سفرهای حدیثی او (همو، ۱۴۰۱ ش [الف]) انجام داده است. اما در میان این پژوهش‌های متعدد، تاکنون پژوهشی یافت نمی‌شود که روی استادان ابوالفضل تمرکز نموده و با تحلیل ویژگی‌های ایشان، به واکاوی نکته‌هایی تازه درباره شخصیت وی بپردازد. مقاله پیش رو در پی برطرف کردن این کاستی است.

۲. تنوع گرایش‌های فکری استادان ابوالفضل

یکی از نکته‌هایی که با واکاوی سندهای حدیثی ابوالفضل جلب توجه می‌کند، این است که وی استادانی با مذهب‌ها و گرایش‌هایی کاملاً متنوع داشته است.

۲-۱. شیعه

ابوالفضل از محدثان بزرگ امامیه روایت کرده است؛ همچون شیخ کلینی (طوسی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱: ۷۳؛ خزاز، ۱۴۰۱ ق: ۲۹۳)، ابن همام (برای نمونه: طوسی، ۱۴۱۴ ق: ۴۴۹؛ خزاز، ۱۴۰۱ ق: ۲۹۶، طبری صغیر، ۱۴۱۳ ق: ۲۷۱؛ ابن طاووس، ۱۳۷۶، ج ۲: ۴۵) و ابن بطه (برای نمونه: طوسی، ۱۴۲۰ ق: ۴۶۰ و ۵۰۸؛ همچنین ر.ک: شهید اول، ۱۴۰۷ ق: ۵۲) و در رتبه‌های بعدی، جعفر علوی (برای نمونه‌ای از روایت‌های ابوالفضل از وی ر.ک: طوسی، ۱۴۱۴ ق: ۴۹۵،

مشایخ یک راوی، منبعی برای شناخت بهتر او؛ نمونه: بررسی استادان...، محمد عافی خراسانی، حامد دزآباد ۲۰۵

۵۱۰، ۵۶۹ و ۵۷۰؛ خطیب بغدادی، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۴۶؛ المرشد بالله، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۱۷۴؛ برای آشنایی با جعفر علوی ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۲۲) و محمد بن جعفر رَزَّاز (برای نمونه: طوسی، ۱۴۰۷ق: ۸۴؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۸۲. برای آگاهی از جلالت وی ر.ک: زراری، ۱۳۶۹ش: ۲۲۴). وی همچنین از فرزند عیاشی نیز دریافت داشته و از طریق وی به کتاب‌های پدرش متصل شده است (برای نمونه: ابن طووس، ۱۴۰۶ق: ۲۸۱).

در میان زیدیه نیز باید گفت یکی از برجسته‌ترین استادان ابوالفضل، ابن عقده است که از بزرگ‌ترین محدثان زیدی مذهب است (تفصیل بیشتر در این باره، در ادامه می‌آید). همچنین ابوالفضل، از عبدالعزيز بن اسحاق بَقَّال، از عالمان بزرگ زیدیه (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۴۵۸)، مسند الإمام زید را که از مهم‌ترین منابع این مذهب دانسته می‌شود، روایت کرده است (ر.ک: زید بن علی، بی تا: ۳۵). بلکه خود ابوالفضل نیز متهم به زیدی بودن است - چنان‌که در ادامه خواهد آمد - و دست کم شماری از عالمان زیدیه نیز وی را از خود می‌دانند (برای نمونه ر.ک: ابن ابی الرجال، ۱۴۲۵ق، ج ۲: ۲۷ و ۸۷؛ وجیه، ۱۴۳۹ق، ج ۲: ۲۷۹).

در میان شاخه‌های دیگر شیعه، باید گفت ابوالفضل از برخی بزرگان واقفیه، مانند حمید بن زیاد (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۳۲) نقل کرده است (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۵۹۸؛ ابن طووس، ۱۳۳۰ق: ۲۲۷). شیخ طوسی در طریق به ده‌ها کتاب از تألیف‌های شیعه، طریق ابوالفضل از حمید را ذکر می‌کند (برای نمونه: طوسی، ۱۴۲۰ق: ۱۵۵ و ۱۶۱). ابوالفضل از علی بن محمد بن ربیع واقفی نیز دریافت داشته است (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۰۴ و ۲۸۴) که وی و خاندانش واقفی بوده‌اند (همان: ۹۲).

ابوالفضل از شَلْمَغَانی نیز که از منحرفان دوره غیبت صغری است، در زمان استتار وی دریافت حدیث کرده است (همان: ۳۷۹). ظاهراً این درحالی بوده که اندکی پیش از آن، طبق نقل‌ها، توقیعی از امام مهدی علیه السلام در لعن شلمغانی صادر شده بوده است (ر.ک: ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۷: ۲۶؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۳م، ج ۱: ۱۰۶. برای آگاهی بیشتر ر.ک: اقبال، ۱۳۴۵ش: ۲۲۲). این مسئله، شاید امامی مذهب بودن ابوالفضل را زیر سؤال ببرد؛ زیرا به سختی می‌توان باور کرد که یک امامی مذهب برای دریافت حدیث به سراغ کسی رود که به تازگی مورد لعن امام زمانش قرار گرفته است؛ چنان‌که این ابهام توجه برخی از پژوهشگران را نیز به خود

جلب کرده است (ر.ک: پاکتچی، ۱۳۷۳ش). شایسته ذکر است که در برخی پژوهش‌ها، رابطه ابوالفضل با شلمغانی به تفصیل بررسی شده (اکبری و ذاکری، ۱۴۰۰ش: ۱۴۷) و اشکال‌های شایان توجهی بیان شده که در اصل، دیدار شیبانی با شلمغانی تردیدهایی را برمی‌انگیزد. نیز گفتنی است که در میان استادان ابوالفضل، شیعه یا سنی بودن برخی از آن‌ها چندان روشن نیست؛ مانند ابن ابی‌الثلج، چنان‌که ابن‌ندیم از وی با تعبیر «خاصی عامی» یاد می‌کند؛ گرچه غلبه تشیع را بر وی بیشتر می‌داند (ابن‌ندیم، ۱۴۱۷ق: ۲۸۵).

۲-۲. اهل سنت

بسیاری از استادان ابوالفضل از محدثان و دانشمندان اهل سنت‌اند که می‌توان از بغوی (توضیح بیشتر در ادامه می‌آید) و طبری (برای نمونه ر.ک: ابوالغنائم نرسی، ۲۰۰۴م: ۸۷؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۸۲، ۵۰۲ و ۵۰۳؛ خطیب بغدادی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۳۰۰؛ ابن‌طاووس، ۱۴۱۳ق: ۵۷۸) به عنوان برجسته‌ترین آن‌ها یاد کرد. طبری خود، مذهبی مستقل در فقه داشته که برخی فقیهان نیز از آن پیروی می‌کرده‌اند (برای نمونه ر.ک: ابن‌ندیم، ۱۴۱۷ق: ۳۲۷).

در مرتبه بعد، در میان استادان سنی مذهب وی، می‌توان به کسانی همچون ابن‌ابی‌داود سجستانی (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۸۶؛ همو، ۱۹۹۷م، ج ۳: ۱۸۳۸؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۵۴: ۱۶) و ابن‌باغندی (تفصیل بیشتر در ادامه می‌آید) نیز یاد کرد.

ابوالفضل از پیروان مذهب‌های گوناگون از مذاهب اربعه دریافت داشته است؛ برای نمونه: زکریا بن احمد بلخی، بزرگ پیروان مذهب شافعی در شام (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۹: ۵۸)، ابوالطیب محمد حنظلی، از فقیهان مالکی (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۴۳۳؛ قاضی عیاض، ۱۴۲۳ق، ج ۳: ۱۱۸۸؛ سمعانی، ۱۳۸۲ق، ج ۶: ۵۸؛ ذهبی، ۲۰۰۳م، ج ۷: ۵۲۶)؛ ابن‌ابی‌داود سجستانی حنبلی (پیش‌تر به نمونه‌هایی از روایت ابوالفضل از او اشاره شد؛ برای آگاهی از حنبلی بودن او ر.ک: ابن‌عدی، ۱۴۱۸ق، ج ۵: ۴۳۷) و ابوالقاسم ابن‌کاس نخعی، از سران حنفی‌های کوفه (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲: ۷۰؛ برای نمونه‌ای از دریافت‌های ابوالفضل از وی: بیهقی، ۱۴۲۳ق، ج ۳: ۱۴۶) درباره حنفیان، به نظر می‌رسد ابوالفضل رابطه نیکویی با ایشان که سردمدار مکتب اصحاب رأی در مقابل اصحاب الحدیث بوده‌اند، داشته

مشایخ یک راوی، منبعی برای شناخت بهتر او؛ نمونه: بررسی استادان...، محمد عافی خراسانی، حامد دزآباد ۲۰۷

است (در ادامه به تألیف وی درباره ابوحنیفه اشاره خواهد شد).

در میان مذاهب دیگر، مذهب ظاهریه است که ابوالفضل از مهم‌ترین ترویج‌دهنده این مذهب، عبدالله بن احمد ظاهری دریافت حدیث کرده است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۹: ۳۹۳؛ ذهبی، ۱۴۲۷ق، ج ۱۱: ۳۸۷). خطیب بغدادی تنها ابوالفضل را به‌عنوان راوی از وی یاد کرده که گرچه لزوماً به معنای حصر نیست، می‌تواند به این معنا باشد که ابوالفضل یکی از مهم‌ترین شاگردان حدیثی وی بوده که بسیار شایان توجه است.

ابوالفضل از برخی از افراد متمایل به گرایش صوفیه نیز دریافت حدیث داشته است؛ مانند: عباس بن یوسف شِکلی (ذهبی، ۲۰۰۳م، ج ۷: ۲۸۲)، یمان بن محمد بن مَرزُوق (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴: ۳۶۲) و مؤمنه بنت بُهلول (سلمی، ۱۴۲۴ق: ۳۹۰).

همچنین ابوالفضل از اصحاب‌الحديث نیز دریافت فراوانی داشته است. فقط برای یک نمونه، وی از حسن بن علی بن زکریا عَدَوی (د ۳۱۸ق) دریافت حدیثی داشته و درباره وی می‌گوید: «وی از اصحاب‌الحديث بود؛ با وجود این، ثقه بود و احادیث اهل بیت (ع) را فراوان نقل می‌کرد» (خزاز، ۱۴۰۱ق: ۹۰). در ادامه، به تحلیل این سخن ابوالفضل پرداخته می‌شود.

۳. چرایی تنوع مذهبی استادان وی

با اثبات تنوع مذهبی در میان مشایخ ابوالفضل، در اینجا به بررسی چرایی آن پرداخته می‌شود:

۳-۱. فرضیه‌هایی برپایه دیدگاه ابوالفضل درباره عدوی

اظهارنظر ابوالفضل درباره عدوی از جهت‌های گوناگون شایان توجه است. اینکه وی عدوی را توثیق می‌کند، درحالی که خود اصحاب‌الحديث در بغداد، عدوی را به‌تندی تضعیف کرده‌اند (برای آگاهی از دیدگاه عالمان گوناگون درباره عدوی ر.ک: خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۷: ۳۹۲)، قرینه‌ای بر کشف اختلاف‌نظر رجالی میان ابوالفضل و اصحاب‌الحديث است؛ چنان‌که در ادامه نیز به سندی دیگر برای تفاوت شایان توجه میان روش رجالی وی با اصحاب‌الحديث اشاره خواهد شد.

ازسویی دیگر، سخن ابوالفضل درباره علت دریافت حدیث از عدوی، به تقابل آشکار گرایش اعتقادی وی با اصحاب‌الحديث نیز دلالت دارد. شاید این گرایش در وی پس از آن

پررنگ شده باشد که دارقطنی (د ۳۸۵ق)، از بزرگان اهل‌الحديث وی را تکذیب کرد (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۸۷)؛ همان‌طور که خطیب بغدادی مدعی است که ابوالفضل پس از آنکه به‌وسیله دارقطنی تکذیب شد، به جعل حدیث برای شیعیان پرداخت (همان، ج ۳: ۸۶). گرچه این سخن خطیب بغدادی مناسب با فضای فکری خودش و تعصبش در برابر شیعه است و لزوماً نمی‌تواند ثابت کند که احادیثی که ابوالفضل پس از آن برای شیعه گفته، جعلی است؛ درعین‌حال، می‌تواند دست‌کم قرینه‌ای باشد که نشان از چرخش رفتاری ابوالفضل و وجود دوران‌های مختلف در زندگی وی دارد.

همچنین شاید به ذهن برسد که این اظهارنظر ابوالفضل درباره عدوی، بیانگر این است که تنها انگیزه وی در اخذ حدیث از استادانی با این گرایش اعتقادی، دریافت احادیث اهل‌بیت (علیهم‌السلام) بوده است. اما باید گفت این سخن ابوالفضل توانایی اثبات چنین فرضیه‌ای را ندارد؛ زیرا با حجم فراوانی از روایاتی که ابوالفضل از اهل سنت گرفته و هیچ ارتباطی با احادیث اهل‌بیت (علیهم‌السلام) ندارد، نقض می‌شود (فقط برای نمونه ر.ک: همان، ج ۱: ۶۷ و ۴۰۵؛ همو، بی‌تا [ب]، ج ۱: ۵۱؛ اصبهانی، بی‌تا، ج ۱: ۲۹۳؛ رافعی قزوینی، ۱۴۰۸ق، ج ۳: ۲۳۵)؛ مگر اینکه احتمال دهیم همه احادیثی که وی از اصحاب‌الحديث دریافت کرده و هیچ ارتباطی با اهل‌بیت (علیهم‌السلام) ندارد، پیش از تکذیب وی توسط اصحاب‌الحديث دریافت شده که بررسی این احتمال، مجال دیگری می‌طلبد (همچنین ر.ک: اکبری، ۱۳۹۹ش).

۲-۳. بستر ویژه بغداد و تسامح مذهبی

همچنین شاید اشکال شود که ابوالفضل در روزگاری می‌زیسته که برجسته‌ترین عالمان در هر دانش و مذهبی در بغداد بوده‌اند؛ بنابراین تنوع مذهبی در میان استادان وی با توجه به اینکه وی در بغداد می‌زیسته (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۸۶)، دور از انتظار نیست و این مطلب نشان‌دهنده خصوصیتی ویژه در خود ابوالفضل نیست.

اما در پاسخ باید گفت ابوالفضل فقط در بغداد از مشایخ مذاهب گوناگون دریافت حدیث نکرده است، بلکه او سفرهای بسیاری به مناطق مختلف جهان اسلام برای اخذ حدیث داشته است (برای آگاهی بیشتر ر.ک: عافی خراسانی، ۱۴۰۱ش [الف]؛ چنان‌که او در دریافت‌ها از

برخی بزرگان مذاهب مختلف که گذشت، نیز تصریح می‌کند که مکان دریافت وی در جایی غیر از بغداد، مانند دمشق و کوفه بوده است (برای نمونه، پیش‌تر به روایت ابوالفضل از بزرگ شافعیان شام اشاره شد). افزون بر اینکه برخی از مشایخ بزرگ امامیه، مانند شیخ طوسی، نیز در بغداد بوده‌اند؛ ولی چنین حجمی از استادان فراوان از مذاهب گوناگون غیرامامی نداشته‌اند.

فرضیه‌ای دیگر که در تحلیل تنوع مذهبی در میان استادان وی ممکن است به ذهن برسد، این است که این امر نشان از تسامح مذهبی در شخصیت وی است؛ به این معنا که وی ذاتاً تعصبی بر یک گرایش خاص نداشته است. اما این فرضیه، دست‌کم درباره اهل‌الحديث، چندان واقعی به نظر نمی‌رسد؛ چراکه وی در ذیل روایت خود از عدوی، به‌روشنی، جدایی خود از اصحاب‌الحديث را یادآوری می‌کند؛ چنان‌که گذشت.

۳-۳. دستیابی به افتخارهای محدثانه

بنابراین روی هم‌رفته، به نظر می‌رسد واقع‌بینانه‌ترین تحلیل این است که ابوالفضل شیفته حدیث بوده است؛ چنان‌که هر محدثی حاضر نبوده تمام عمرش را در جست‌وجوی حدیث، به سفر برود (ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵ ش: ۳۹۶). وی همیشه به دنبال دریافت بی‌واسطه از مشایخ مختلف و گردآوری احادیث هرچه بیشتر نزد خود بوده است؛ زیرا فراوانی حفظ احادیث، برای محدثان یک امتیاز ویژه به شمار می‌آمده است؛ چنان‌که ابوالفضل به این امتیاز دست یافته و در منابع گوناگون با عنوان «حافظ» یا «کثیر الروایة» وصف شده است (طوسی، ۱۴۲۰ ق: ۴۰۱؛ طوسی، ۱۳۷۳ ش: ۴۴۷؛ ذهبی، ۲۰۰۳ م، ج ۸: ۶۲۴).^۴

بنابراین عواملی همچون عشق فراوان به حدیث، شرافت دستیابی به مزیت‌های بزرگی همچون قرب اسناد و حافظ بودن، می‌تواند ما را به این تحلیل رهنمون کند که انگیزه ابوالفضل گردآوری هرچه بیشتر احادیث، به‌ویژه با اسناد عالی، نزد خود بوده است و همین انگیزه، باعث شده وی چندان به مذهب استادانش اعتنا نکند. این مسئله، لزوماً به معنای سهل‌انگاری وی در مذهب خودش نیست، بلکه به معنای تسامح وی در مذهب استادانش به دلیل هدفی است که داشته است.

البته ممکن است در اصل این سخن مناقشه شود که این اندازه از تنوع مذهبی در میان استادان راوی در آن روزگار نامتعارف نبوده است؛ زیرا بسیاری از محدثان شیعه و سنی از سایر مذاهب اخذ حدیث می کردند و در این صورت، اصلاً نوبت به این همه تحلیل در علت این گوناگونی نمی رسد.

در پاسخ باید گفت: آری، اخذ حدیث در میان شیعه و سنی از یکدیگر و همچنین در درون هر یک از این دو مذهب، اخذ از گرایش های دیگر آن مذهب، چندان غیر معمول نبوده است. اما سخن درباره گستردگی این رویکرد است؛ زیرا در میان محدثان امامیه بسیار کمتر می بینیم که در این حجم، به سراغ محدثان اهل سنت بروند؛ به ویژه در احادیثی که ارتباطی به مناقب اهل بیت (ع) و یا احتجاج بر اهل سنت نداشته باشد (برای نمونه ر.ک: صدوق، ۱۳۶۲ ش: ج ۲: ۴۹۸). چنان که برخی محققان نیز معتقدند مشایخ امامیه، به جز فضل بن شاذان، معمولاً از استادان درجه سه و چهار اهل سنت اخذ کرده اند و بالاینکه گاهی مانند شیخ طوسی در بغداد، دسترسی آسانی نیز داشته اند، گویا از اینکه در مجلس استادان برجسته اهل سنت حاضر شوند، پروا داشته اند (مددی موسوی، ۱۳۹۲/۷/۶ ش).^۵ به نظر می رسد ابوالفضل نیز مانند فضل بن شاذان و سعد بن عبدالله، به این روال پایبند نبوده و به سراغ مشایخ بزرگ اهل سنت، مانند بغوی و طبری و... رفته است.

از این رو، این مطلب، قرینه دیگری است بر اینکه - حتی اگر امامی بودن وی را مسلم بدانیم - وی چندان در حوزه های حدیثی امامیه و متناسب با سنت های آن رشد نکرده و خودش به طور مستقل در مسیر علم حدیث، پیشرفت نموده که نتیجه آن، تفاوت محسوس سندهای حدیثی وی با نوع سندهای محدثان امامیه بوده و چنین تنوعی از مذاهب را در استادانش پدید آورده است. وگرنه اگر او در حوزه های حدیثی امامیه رشد می کرد، به طور طبیعی، همچون شیخ صدوق و شیخ طوسی، کمتر به سراغ راویان اهل سنت، آن هم با این تنوع و حجم گسترده و در سطوح بالای آن ها می رفت؛ به ویژه که بسیاری از روایات وی از اهل سنت، چنان که گذشت، فقط مرتبط به اهل بیت (ع) و احتجاج بر اهل سنت نیست. افزون بر این، در میان استادان شیعه وی نیز، برخی موارد هستند که پایبند نبودن وی را به منش محدثان امامیه تأیید می کنند؛ مانند اخذ از شلمغانی، در زمانی که مورد لعن بوده است؛ بنابراین روی هم رفته، می توان گفت تنوع غیر معمولی مذهب

در میان استادان ابوالفضل انکارپذیر نیست.

در پایان، باید به این نکته مهم اشاره کرد که با توجه به این حجم از تنوع مذهبی در میان استادان ابوالفضل، دیگر یک مذهب خاص در میان استادان وی غلبه ندارد تا بتوان قرینه‌ای بر کشف مذهب خود او باشد.

۴. تأثیرگذاری‌های برخی از استادان ابوالفضل

پس از آنچه گذشت، شایسته است به‌طور مصداقی به برخی از استادان ابوالفضل اشاره شود که بر شخصیت وی تأثیرگذار بوده‌اند و یا دست‌کم، این احتمال درباره آن‌ها شایان توجه است؛ گرچه اشاره به همه آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد.

۴-۱. ابن باغندی و شیفتگی به حدیث

یکی از استادان برجسته ابوالفضل، ابن باغندی است. وی بسیار شیفته حدیث بوده و سفرهای بسیاری در جست‌وجوی حدیث داشته است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۴۲۸ و ۴۲۹). نقل شده که یک بار وی پس از گفتن تکبیرة الاحرام، به جای خواندن سورة حمد، گفت: «حَدَّثَنَا...!» و اطرافیان با بلند گفتن «سبحان الله» او را به خود آوردند (ر.ک: همان، ج ۳: ۴۲۹). این حکایت به‌تنهایی بسنده است تا اوج دلدادگی او به دانش حدیث و غرق بودن اندیشه وی را در آن روشن سازد.

با توجه به اینکه ابن باغندی درگذشته ۳۱۲ق (همان، ج ۳: ۴۳۱) و ابوالفضل زاده ۲۹۷ق (همان، ج ۳: ۸۷) است، می‌توان پی برد که ابوالفضل در نوجوانی و در نهایت پانزده‌سالگی، محضر او را درک کرده است؛ بنابراین این احتمال بالاست که در این سن که دوره شکل‌گیری شخصیت است، از شخصیت این استاد خود در عشق به حدیث تأثیر پذیرفته باشد. البته فضای محدثان، به‌ویژه در آن روزگار بغداد، به‌طور کلی چنین زمینه‌ای برای شیفتگی به حدیث داشته است؛ همان‌طور که محدثان بسیاری چنین علاقه‌ای به حدیث داشته و در جست‌وجوی آن به سفرهای طولانی رفته‌اند. برای نمونه، خطیب بغدادی کتاب الرحلة فی طلب الحديث را در این باره نگاشته است (نیز ر.ک: دیگر توضیح‌های خطیب بغدادی در کتاب دیگرش: همو، بی‌تا[الف]، ج ۲: ۲۲۳؛ همچنین ر.ک: پژوهش نگارنده این سطور درباره سفرهای فراوان ابوالفضل: عافی

خراسانی، ۱۴۰۱ش[الف]. بنابراین ابن باغندی فقط یک نمونه از این گونه استادان ابوالفضل است؛ گرچه این ویژگی در وی نسبت به بسیاری از محدثان دیگر، جلوه بیشتری داشته است. نیز گفتنی است که ابن باغندی به عنوان اولین شخصی مطرح شده که در بغداد، تدلیس نمود و گفته شده که پیش از وی، در میان مشایخ بغدادی چنین چیزی وجود نداشته است (ر.ک: حاکم نیشابوری، ۱۳۹۷ق: ۱۱۱). با توجه به تناقض گویی های مکرر ابوالفضل در سند های حدیثی اش (پیش تر اشاره بدان ها رفت)، این احتمال وجود دارد که وی از این نظر نیز از استادش متأثر شده باشد؛ گرچه تناقض گویی های ابوالفضل از نوع دروغ گویی یا خلط است و با تدلیس نیز قابل توجیه نیست. نگارنده در اینجا به همین اشاره بسنده می کند؛ زیرا در مقاله پیش گفته خود درباره روایت ابوالفضل از ابن عراد، به تفصیل به تناقض گویی های ابوالفضل و تحلیل آن پرداخته است.

۴-۲. عجلی ساوی نخستین آموزگار ابوالفضل

یکی از استادان ابوالفضل، محمد بن صالح عجلی ساوی است. ابوالفضل در سندی از وی با تعبیر «مؤدبنا» یاد کرده است. این تعبیر تنها در نسخه خطی احادیث امیرالمؤمنین علی (ع) یافت می شود (برای آگاهی از نسخه ر.ک: قاضی جعفر، نسخه خطی ۰۳۵-۰۱۰؛ برای آگاهی از تحقیق آن ر.ک: قاضی جعفر، ۱۴۴۲ق: ۶۳). در نسخه ای دیگر از این احادیث، که نگارنده آن را بعداً یافته است، واژه «مؤدبنا» به «مؤدنا» تصحیف شده است (ر.ک: قاضی جعفر، نسخه خطی ۳۲۱-۰۶). بر پایه قرینه هایی که ذکرشان در این مجال نمی گنجد، به نظر می رسد آن نسخه تازه یاب از روی همین نسخه پیشین نوشته شده و از این رو، اگر ناسخ در این نسخه تازه یاب در واژه ای که خوانش آن دشوار است اشتباهی کرده باشد، نمی تواند باعث تشکیک در خوانش ما از این واژه در نسخه پیشین باشد؛ زیرا ناسخ در نسخه متأخر دقیقاً از روی همین نسخه نوشته است (برای آگاهی از تفاوت های دیگر این دو نسخه ر.ک: یادداشتی از نگارنده: خراسانی، ۱۴۰۰ش). باید توجه داشت که مؤدبان، آموزش و تربیت کودکان و نوجوانان را به عهده داشته اند که شامل اموری همچون آموزش خواندن و نوشتن (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵: ۲۹؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۳م، ج ۴: ۱۷۹۶)، ادبیات عرب (ادفوی شافعی، ۱۹۶۶م: ۱۰۷) و مسائل تربیتی

مشایخ یک راوی، منبعی برای شناخت بهتر او؛ نمونه: بررسی استادان...، محمد عافی خراسانی، حامد دزآباد ۲۱۳

مانند آموزش قرآن (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۳۵۰)، شعرهای زیبا (ابوزید قرشی، بی تا: ۸۱؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۲۲۸؛ ج ۴: ۳۲۶؛ ج ۱۳: ۵۲) و آداب نیکو (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۳۵۱) بوده است. از این رو، به احتمال قوی، وی بر شخصیت ابوالفضل تأثیرگذار بوده است.

شوربختانه هیچ آگاهی دقیقی از ساوی در دست نداریم تا بتوانیم این تأثیرگذاری‌ها را بر ابوالفضل بسنجیم (برای آگاهی از داده‌های برجای مانده درباره وی در منابع گوناگون ر.ک: عافی خراسانی، ۱۴۴۲ق: ۲۰-۲۶). اما می‌توان احتمال داد که وی امامی بوده است؛ چراکه در موارد گوناگونی از احمد بن محمد بن عیسی اشعری از محدثان بزرگ امامیه روایت کرده است و سندهای وی، رنگ و بوی سندهای امامیه را داراست (برای نمونه ر.ک: طوسی، ۱۴۱۴ق: ۵۹۴، ۶۲۱، ۶۳۳ و ۶۳۴؛ ابن طاووس، ۱۳۳۰ق: ۴۴۶). در جای دیگری نیز وی روایتی دارد که دلالت بر مهدویت با تعریف امامیه دارد (خزاز، ۱۴۰۱ق: ۹۷) که قرینه دیگری بر امامی بودنش است.^۶ در این صورت، به نظر می‌رسد وی می‌توانسته در تمایل ابوالفضل به امامیه، نقش مهمی به عنوان نخستین آموزگار وی ایفا کرده باشد.

همچنین شایسته ذکر است که ساوی غیر از سندهای ابوالفضل، در سند دیگری نیز حضور دارد (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۱۳۶). بنابراین روشن می‌شود که نمی‌توان احتمال داد که این شخص ساخته و پرداخته ابوالفضل بوده و وجود خارجی نداشته است.

۳-۴. بغوی و قرب اسناد

یکی از برجسته‌ترین مشایخ ابوالفضل، ابوالقاسم بغوی (د ۳۱۷ق) است (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۶۳۵، ۶۳۸ و ۶۳۹؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۵۴: ۱۵، ۱۶؛ ابن دبیشی، ۱۴۲۷ق، ج ۱: ۲۰۶). وی حدود صد سال و اندی عمر کرده است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰: ۱۱۵). خطیب بغدادی حکایت‌هایی درباره وی آورده که نشان از قرب اسناد بسیار بالای او دارد. حتی از برخی از آن‌ها برمی‌آید که خود بغوی نیز بسیار به کهن بودن سماع‌هایش می‌نازیده است (همان، ج ۱۰: ۱۱۳). برخی عالمان نیز بر این باور بوده‌اند که هیچ محدثی در اسلام، در کهن بودن سماع به بغوی نمی‌رسد (رامهریزی، ۱۴۰۴ق: ۶۲۳؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰: ۱۱۱).

ابوالفضل چنین استادی را در عنوان جوانی درک کرده که می‌توانسته به‌عنوان یک اسوه در شکل‌گیری شخصیت وی تأثیرگذار بوده و باعث شیفتگی فراوان وی به قرب اسناد در سندهای حدیثی خود باشد؛ چنان‌که در عمل نیز ابوالفضل تا اندازه‌ای شایان توجهی به این مطلب دست یافته است. نگارنده در مقاله پیش‌گفته خویش دربارهٔ قرب اسناد ابوالفضل، به تفصیل به این مطلب پرداخته است. البته باید بغوی را فقط یکی از سرچشمه‌های اشتیاق ابوالفضل به قرب اسناد دانست؛ زیرا بازهم به‌طور کلی، محدثان - به‌ویژه در روزگار ابوالفضل - قرب اسناد را افتخاری بزرگ می‌دانسته‌اند (برای نمونه ر.ک: رافعی قزوینی، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۸۲) و طبیعتاً این‌گونه نبوده که تنها آشنایی با بغوی باعث چنین علاقه‌ای در ابوالفضل شده باشد.

۵. مطالعه موردی ابن عقده، تأثیرگذارترین استاد او

در میان استادان ابوالفضل، یکی از برجسته‌ترین آن‌ها که نیاز به بررسی تفصیلی‌تری دارد، احمد بن محمد بن سعید، مشهور به ابن عقده (د ۳۳۲ق) است (برای نمونه‌هایی از روایت‌های ابوالفضل از وی ر.ک: طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۶۰؛ طبری صغیر، ۱۴۱۳ق: ۵۳۲؛ قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۸۷۲). وی یکی از محدثان بسیار برجسته در طول تاریخ حدیث است. جایگاه او به گونه‌ای است که حتی کسانی مانند اصحاب‌الحديث که وی را تضعیف نموده نیز به فضل و دانش وی اذعان داشته‌اند (برای نمونه ر.ک: ابویعلی خلیلی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۵۷۹؛ ذهبی، ۱۴۲۷ق، ج ۱۱: ۵۲۸). امامیه نیز با تصریح به زیدی بودن وی، او را جلیل‌القدر می‌دانند (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۶۸؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۹۴؛ نیز ر.ک: نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۵). باید گفت احتمال می‌رود ابوالفضل در موارد زیر از ابن عقده تأثیر گرفته باشد:

۵-۱. حافظ بودن و گردآوری احادیث انبوه

یکی از جلوه‌های مهم شخصیت حدیثی ابن عقده، حافظ بودن و گردآوری شمار انبوهی از احادیث بوده است. این مسئله بازتاب فراوانی در منابع گوناگون داشته است؛ برای نمونه، اجماع اهل کوفه بوده که از زمان عبدالله بن مسعود تا زمان ابن عقده، هیچ‌کس حافظ‌تر از وی نبوده است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۵: ۲۱۹). همچنین کمترین شمار احادیثی را که وی از هریک از استادانش دریافت کرده، صد هزار حدیث دانسته شده است (همان، ج ۵: ۲۲۱). با توجه

به این گونه گزارش‌ها می‌توان گفت وی یکی از نوادر حفظ بوده و در نتیجه، با توجه به جایگاهش نسبت به ابوالفضل به عنوان استادی بزرگ برای او، در شیفتگی شاگردش به گردآوری هرچه بیشتر احادیث و دستیابی به رتبه «حافظ»، تأثیر بسزایی داشته است؛ همان‌طور که ابوالفضل در عمل نیز به این رتبه دست یافته است، که پیش‌تر به آن اشاره شد.

۵-۲. نقطه‌نظرهای رجالی درباره سند احادیث

ابوالفضل افزون بر دریافت حدیث از ابن‌عقده، گاهی برخی احادیث خود را نیز بر روی عرضه کرده و از دیدگاه‌هایش درباره سند آن‌ها بهره برده است (ابن مغزلی، ۱۴۲۴ق، ج ۱: ۱۶۴؛ ابن‌بطریق، ۱۴۰۷ق: ۲۹۷؛ نیز ر.ک: خطیب بغدادی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۵۴۳). آنچه درباره چیرگی خارق‌العاده ابن‌عقده بر نقد سندهای حدیثی ذکر شده (ر.ک: خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۵: ۲۲۱)، مؤید این مطلب است که شاگردان وی در اندیشه بهره‌گیری از دانش او در این زمینه نیز باشند.

۵-۳. گرایش‌هایی به زیدیه و علاقه به موضوعات خاصی برای تألیف

این احتمال وجود دارد که ابوالفضل در مذهب خود نیز تا اندازه‌ای از ابن‌عقده تأثیری گرفته باشد؛ یکی از گزینه‌ها برای این مطلب، این است که عنوان برخی از کتاب‌های ابوالفضل که بیشتر با زیدی بودن نگارنده آن‌ها سازگار است، دقیقاً با عنوان برخی از کتاب‌های ابن‌عقده تطابق دارد یا تفاوت‌های بسیار ناچیز دارد،^۷ مانند: اخبار ابی حنیفه و من روی عن زید بن علی (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۹۴ و ۳۹۶؛ طوسی، ۱۴۲۰ق: ۶۹). همچنین ابوالفضل کتاب دیگری به نام من روی حدیث غدیر خم داشته است که گرچه دلالتی بر زیدی بودن نگارنده آن ندارد، این عنوان نیز با عنوان کتابی از ابن‌عقده مشترک است (ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۹۴ و ۳۹۶).

با نگاه به این اندازه از اشتراک میان عناوین کتاب‌های استاد و شاگرد ارادت‌مند به وی، شاید بتوان گفت ابوالفضل در نگارش کتاب‌هایش از استاد خود بهره‌شایانی برده و به گونه‌ای به دنبال تکمیل آن‌ها بوده است. باید دانست دو کتاب دیگر نیز به ابوالفضل نسبت داده شده است که گرچه در میان کتاب‌های ابن‌عقده، همانندی برای آن‌ها ذکر نشده است؛ اما این موارد نیز با زیدی بودن نگارنده آن‌ها تناسب دارند: فضائل زید و الشافی فی علوم الزیدیه (همان: ۳۹۶).

هیچ‌یک از این کتاب‌ها به دست ما نرسیده است تا بتوانیم روش ابوالفضل و میزان تأثیرپذیری وی از ابن‌عقده را تحلیل کنیم. اما باید گفت شریف علوی، از عالمان مشهور زیدیه (برای نمونه ر.ک: ابوطالب هارونی، ۱۴۲۲ق: ۱۵)، کتابی به نام تسمیه من روی عن الامام زید دارد. با توجه به اینکه وی از شاگردان ابوالفضل است (ذهبی، ۲۰۰۳م، ج ۹: ۶۷۲) و روایت‌های بسیاری از وی نقل کرده (سیاخی، بی‌تا، ج ۱: ۱۸. برای نمونه ر.ک: ابوالغنائم نرسی، ۲۰۰۴م، ج ۱: ۸۷؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۳۲: ۴۴۹؛ ج ۴۶: ۳۰۲؛ ابن‌دیبی، ۱۴۲۷ق، ج ۱: ۲۰۶؛ ابوطاهر سلفی، ۲۰۰۴م: جزء ۵، حدیث ۴۲)، به احتمال زیاد، از کتاب ابوالفضل، من روی عن زید بن علی، بی‌خبر نبوده است. باین‌حال، وی در کتاب خود که دقیقاً درباره همین موضوع نگاشته، تنها در یک سند، نام ابوالفضل را برده است (ر.ک: شریف علوی، ۱۴۲۴ق: ۱۰۷) و این یک مورد نیز محتوایی با موضوع منقبت امام علی علیه السلام دارد که این موضوع در میان بسیاری از روایت‌های ابوالفضل به چشم می‌خورد و هیچ لزومی ندارد شریف علوی آن را از کتاب من روی عن زید بن علی ابوالفضل گرفته باشد.

شاید این مسئله مؤید آن باشد که احتمالاً ابوالفضل در کتاب خود، من روی عن زید بن علی، چندان مطلب تازه‌ای نسبت به استاد خود، ابن‌عقده نداشته و همین مسئله باعث شده شریف علوی نیازی به اخذ از کتاب وی نداشته و مستقیماً از کتاب ابن‌عقده نقل کند، وگرنه با توجه به دو عاملی که گفته شد - یعنی شاگردی علوی نزد ابوالفضل؛ بهره‌مندی استادش از قرب اسناد و یکی بودن موضوع کتاب وی با استادش - حداقل بخشی از آن را گزارش می‌کرد (برای آگاهی بیشتر ر.ک: عافی خراسانی، ۱۴۰۰ش [الف]: ۱۰۸).

البته در آن‌سو، این احتمال نیز وجود دارد که این کتاب‌ها اساساً تألیف خود ابوالفضل نبوده و نگاشته ابن‌عقده بوده و ابوالفضل فقط نقش راوی آن‌ها را داشته؛ اما برخی نسخه‌ها از این کتاب‌ها به اشتباه به ابوالفضل نسبت داده شده باشد؛ زیرا در بسیاری از موارد، سند روایت یک کتاب در آغاز نسخه‌های آن نگاشته می‌شده است (برای نمونه ر.ک: صدوق، ۱۳۷۶: ۲) و ممکن است نام ابوالفضل نیز به‌عنوان یک شاگرد مهم ابن‌عقده، در طریق نقل کتاب‌های وی بوده و با اندکی بی‌دقتی و از بین رفتن قرینه‌های دیگر، این کتاب‌ها به ابوالفضل منسوب شده باشد. گرچه با توجه به شهرت ابن‌عقده و شاگردان زیادی که داشته و قرینه‌های

دیگری که یادکرد از آن‌ها در این نوشتار نمی‌گنجد، این احتمال ضعیف‌تر به نظر می‌رسد. ازسویی دیگر، شایان توجه است که ابن‌عقده شاگرد دیگری به نام جعابی (د. ۳۵۵ق) نیز داشته که از وی نیز کتابی با عنوان مسند اُبی حنیفه گزارش شده و نقل‌های برجای‌مانده از آن (ر.ک: ابن‌خسرو بلخی، ۱۴۳۱ق، ج ۱: ۱۶۳، ۱۶۴؛ ج ۲: ۴۹۷)، به هیچ‌وجه نشان نمی‌دهد که وی در این کتاب به دنبال نقد ابوحنیفه بوده است (برای آگاهی بیشتر درباره این کتاب جعابی و آثار همانند او ر.ک: عافی خراسانی، ۱۴۰۰ش [ب]). ازسویی دیگر، به سان مذهب ابوالفضل، در مذهب جعابی نیز نقطه‌های مبهمی دیده می‌شود که تعیین مذهب شیعی یا سنی را برای وی چندان آسان نمی‌کند (برای آگاهی تفصیلی درباره قرینه‌های گوناگون درباره مذهب جعابی ر.ک: عافی خراسانی و شهیدی، ۱۴۰۲ش: سراسر اثر).

به هر روی، نزدیکی ابوحنیفه و زیدیان به یکدیگر (برای نمونه ر.ک: ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۹ق: ۱۴۱ و ۳۲۴؛ محلی، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ۳۰۳؛ ابن‌عنبه، ۱۴۱۷ق: ۹۹؛ نیز برای آگاهی از تأثیرپذیری قابل توجه زیدیان از ابوحنیفه در فقه ر.ک: شهرستانی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۱۶۲؛ ابوزهره، ۱۴۲۵ق: ۵۰۷) و همچنین، علاقه مشترک بین ابن‌عقده با شاگردان برجسته‌اش (جعابی و ابوالفضل) در نگارش درباره ابوحنیفه، قرینه‌هایی اند که با در نظر گرفتن مجموعه آن‌ها، شاید این احتمال نیز بعید نباشد که این دو شاگرد از استادشان در نزدیکی به برخی گرایش‌های زیدیه تأثیر پذیرفته‌اند؛ همان‌طور که ابن‌کثیر نیز به صراحت اظهار داشته که جعابی در اعتقادات از ابن‌عقده تأثیر گرفته است (ابن‌کثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۲۹۶).

افزون بر این‌ها، شاید بتوان خاستگاه مشترک ابوالفضل و ابن‌عقده، یعنی کوفه (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۹۴، قس: ۳۹۶) را نیز عامل زمینه‌ساز دیگری در شباهت گرایش‌های این دو برشمرد؛ چنان‌که نگارنده در جایی دیگر بدان پرداخته است (برای آگاهی بیشتر ر.ک: عافی خراسانی، ۱۴۰۰ش [الف]: ۱۰۷).

ناگفته نماند که با توجه به آنچه در احتمال تأثیرپذیری ابوالفضل از زیدیه گذشت، شاید پنداشته شود که اتهام وی به «خلط» در منابع رجالی امامیه (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۳۹۶)، به معنای خلط اعتقادی و تأثیرپذیری از غیرامامیه در اعتقادات بوده است؛ اما این احتمال با توجه به قرینه‌های محکمی بر تناقض‌گویی‌هایی ابوالفضل در سندهای حدیثی که نشان از ضابط نبودن

یا دروغ‌گویی اوست، تضعیف می‌شود (برای آگاهی از تناقض‌گویی‌های ابوالفضل ر.ک: اکبری و ذاکری، ۱۴۰۰ش؛ عافی خراسانی، ۲۰۲۱م).

۴-۵. اختلاف نظر با اصحاب الحدیث در عین معاشرت فراوان با آنها

از دیگر ویژگی‌های مشترک میان ابوالفضل و ابن عقده، اختلاف‌های گوناگون فکری و روشی با اهل الحدیث، در عین تعامل بسیار و در آمیختگی با ایشان است. برای نمونه، گفتنی است که حجم این مرادفات تا آنجا بوده که دارقطنی از بزرگان اهل الحدیث، اظهار داشته که در برهه‌ای، ابوالفضل را از راهبان امت می‌پنداشته و حتی از وی التماس دعا نیز داشته است (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۵۴). همچنین دارقطنی به حدیث ابوالفضل اعتنا داشته و شمار احادیث ابوالفضل که به وسیله وی گزینش شده بوده، به هفده جزء حدیثی رسیده است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۸۷). با درنگ در نمونه‌هایی از کاربرد واژه «جزء» (همان، ج ۵: ۳۳۶؛ ج ۶: ۹۱؛ ج ۱۵: ۷۰)، درمی‌یابیم که هفده جزء، گرچه شمار بسیار شگفتی در میان کتاب‌های محدثان نیست، به هر روی، کم نیست و شاید حدود چند هزار حدیث را در بر گیرد. این خود نشان‌دهنده وجود حجم شایان توجهی از محتوای سازگار با سلیقه اهل الحدیث در احادیث او، دست‌کم پیش از تکذیب وی به وسیله دارقطنی است.

با وجود این، وی هم از نظر فکری با ایشان تقابل داشته است - چنان‌که این تقابل، در روایت وی از عدوی که پیش‌تر گذشت آشکار است - و هم از نظر شیوه‌های حدیثی رجالی، اختلاف‌هایی با ایشان داشته است. قرینه بسیار مهمی که نشان از این مطلب دارد، این است که ابوالفضل در یک‌جا، دو سند یک حدیث را صحیح می‌شمارد (طبری صغیر، ۱۴۱۳ق: ۴۴۵)، در حالی که بسیاری از راویان موجود در آن دو سند به وسیله دارقطنی از بزرگان اصحاب الحدیث تضعیف شده‌اند؛ همچون اسحاق بن محمد کوفی (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۶: ۳۹۰)؛ محمد بن مروان قَطَّان (ابن حجر عسقلانی، ۲۰۰۲م، ج ۷: ۴۹۸)؛ یحیی بن سالم قَطَّان (همو، ۱۳۲۵ق، ج ۱۱: ۲۲۷)؛ فطر بن خلیفه (همان، ج ۸، ۳۰۲)؛ یزید بن ابی‌زیاد (همان، ج ۱۱، ۳۳۱). البته ممکن است این تقابل‌ها پس از آن روی داده باشد که دارقطنی ابوالفضل را در ماجرای نقل از ابن عراد تکذیب نمود یا دست‌کم پس از این ماجرا تقابل وی با ایشان شدید

شده باشد. نگارنده توضیح بیشتر را در این باره، در مقاله پیش گفته درباره ابوالفضل و ابن عراد آورده است.

استاد ابوالفضل، ابن عقده نیز تاندازه‌ای همین حالت را نسبت به اصحاب‌الحديث دارد؛ یعنی هم‌نشینی وی با اصحاب‌الحديث به اندازه‌ای بوده که برخی از ایشان تذکر می‌دهند که نباید ابن عقده را جزو اصحاب‌الحديث شمرد (ابویعلی خلیلی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۵۷۹). با وجود این آمیختگی و به‌رغم اذعان اهل‌الحديث به جایگاه وی در دانش و فضیلت، گروهی از ایشان وی را به شکل‌های گوناگون تضعیف کرده‌اند (ر.ک: خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۵: ۲۲۲-۲۲۵). ازسویی دیگر، این احتمال نیز شایسته بررسی است که مذهب زیدی ابن عقده و نزدیکی این مذهب به حنفیه - که سردمدار جریان اهل رأی بوده‌اند - نیز نقطه مقابل اندیشه اهل‌الحديث بوده و تاندازه‌ای به اختلاف ایشان با وی دامن می‌زده که بررسی آن در این نوشتار نمی‌گنجد.

۶. نتیجه‌گیری

ابوالفضل نزد شمار شایان توجهی از پیروان مذاهب و جریان‌های فکری متنوع، شاگردی کرده است که برخی از این استادان، از بزرگان آن مذهب‌ها بوده‌اند. در تحلیل این حجم از تنوع مذهبی، قوی‌ترین فرضیه این است که او به دنبال گردآوری هرچه بیشتر احادیث، نزد خود بوده است؛ چراکه در آن روزگار دستیابی به رتبه «حافظ» افتخار بالایی برای محدثان به شمار می‌رفته و احتمالاً به همین دلیل، وی بیشتر به امتیازات علمی مانند فراوان‌تر شدن شمار احادیث و قرب اسناد اهمیت داده و دیگر حساسیتی روی مذهب استادان خود به خرج نداده است.

محدثان امامیه معمولاً چنین تنوعی از مذهب در میان استادان خود، آن‌هم در سطح مشایخ بزرگ فرقه‌های دیگر نداشته‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت حتی اگر ابوالفضل امامی باشد - چنان‌که احتمالاً چنین است - اما در حوزه‌های حدیثی امامیه تربیت نشده و خود، به‌طور مستقل یا در فضای حدیثی مذاهب دیگر رشد کرده و در نتیجه، در آداب و منش حدیثی خود، چندان رنگ و بوی محدثان امامیه را نداشته است و به دلیل دریافت‌های حدیثی خود از مکتب‌های فکری مختلف، مانند زیدیه و اصحاب‌الحديث، به احتمال زیاد، از ایشان تأثیراتی - دست‌کم در علم حدیث و روش‌های آن - گرفته است؛ گرچه به هر روی، هم از نظر فکری و هم از نظر روشی با

اصحاب‌الحديث اختلاف‌های جدی داشته است.

در میان استادان پرشمار ابوالفضل، به نظر می‌رسد وی در نقطه‌های گوناگونی با استاد خود، ابن‌عقده مشترک بوده، یا دارای شباهت‌های شایان توجهی است؛ مانند تقابل فکری با اهل‌الحديث با وجود تعامل با ایشان در نقل و انتقال احادیث، علاقه به تألیف در برخی موضوعات خاص، شیفتگی به گردآوری هرچه بیشتر احادیث و رسیدن به رتبه «حافظ» و شباهت‌هایی در گرایش‌های مذهبی. با در نظر گرفتن مجموعه این همانندی‌ها، به نظر می‌رسد تأثیرپذیری وی از ابن‌عقده انکارپذیر نیست و شخصیت حدیثی دیگری که این حجم از شواهد گوناگون در تأثیرگذاری بر ابوالفضل داشته باشد، یافت نمی‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای نمونه، اگر یک راوی در موارد شایان توجهی از راویان ضعیف نقل کند، می‌تواند نشان‌دهنده روحیه تسامح وی در اخذ حدیث باشد. همچنین اگر استادان راوی دارای مذاهب بسیار گوناگون و متنوعی باشند، می‌تواند قرینه‌ای بر روحیه تساهل مذهبی در راوی باشد و یا نشان دهد که انگیزه وی، جمع‌آوری حداکثری احادیث بوده که باعث شده وی به مذهب استادانش چندان اهمیت ندهد.
۲. برای نمونه، گاهی موضوع بسیاری از کتاب‌هایی که شاگرد تألیف کرده، با موضوع کتاب‌های استادش هم‌پوشانی دارد. چنین چیزی گاه می‌تواند قرینه‌ای بر تأثیرپذیری شاگرد از استادش باشد که باعث شده وی دقیقاً به دنبال تألیف درباره همان موضوع‌ها باشد.
۳. برای نمونه، اگر عمده استادان یک راوی متعلق به یک مذهب یا گرایش خاص باشند، قرینه مهمی است که نشان می‌دهد گرایش آن راوی نیز احتمالاً همان بوده یا دست‌کم از آن تأثیر پذیرفته است.
۴. حتی اگر ادعای ابوالفضل درباره سفرهای انبوهش را نپذیریم، نیز به این تحلیل آسیبی نمی‌زند؛ زیرا بازهم نشان از آن دارد که ابوالفضل به دنبال دستیابی به افتخارهای محدثانه بوده و به همین دلیل، می‌خواسته به داشتن سفرهای حدیثی طولانی و داشتن مشایخ متنوع شناخته شود (برای آگاهی بیشتر درستی یا نادرستی ادعای ابوالفضل درباره سفرهایش و تحلیل آن ر.ک: عافی خراسانی، ۱۴۰۱ش[الف]).
۵. البته باید به سخن آیت‌الله مددی در اینجا، سعد بن عبدالله اشعری را نیز افزود که از برخی مشایخ بزرگ عامه در روزگارش دریافت داشته است (ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۷۷).
۶. آری، از آنجاکه گاهی محدثان مضامینی را نقل می‌کردند که مورد اعتقاد خودشان نبوده، این مطلب فقط یک قرینه است و به تنهایی چیزی را ثابت نمی‌کند و توضیح آن مجالی دیگر می‌خواهد.

مشایخ یک راوی، منبعی برای شناخت بهتر او؛ نمونه: بررسی استادان...، محمد عافی خراسانی، حامد دزآباد ۲۲۱

۷. برای نمونه، نام کتاب ابن عقده، اخبار ابی حنیفة و مسنده و نام کتاب ابوالفضل، اخبار ابی حنیفة گزارش شده است. اما به نظر نمی‌آید نام بسیاری از کتاب‌ها به‌طور دقیق، گزارش شده باشد (برای آشنایی با نمونه‌ای از این دست در کتاب‌های قاضی نعمان، ر.ک: پوناوالا، ۱۴۰۱ش: ۳۴-۳۵). گذشته از کتاب‌هایی که خود مؤلفان، نام خاصی بر آن نگذاشته‌اند و بعدها به نام‌هایی مشهور شده است، منابع کتاب‌شناسی نیز در گزارش نام کتاب‌ها در موارد بسیاری با یکدیگر تفاوت دارند، چنان‌که حتی در برخی از کتاب‌های خود ابن عقده نیز، گزارش‌های شیخ طوسی و نجاشی یکسان نیست (ر.ک: طوسی، ۱۴۲۰ق: ۶۹؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۹۴). بنابراین روشن نیست همین مقدار اختلاف جزئی در عنوان این کتاب ابن عقده و ابوالفضل نیز در اصل نام‌گذاری آن‌ها بوده باشد.

منابع

ابن ابی الرجال، احمد بن صالح. (۱۴۲۵ق). مطلع البدور و مجمع البحور. یمن: مرکز التراث و البحوث الیمنی.

ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم. (۱۳۸۵ق). الکامل فی التاریخ. بیروت: دار صادر.

ابن بطریق، یحیی بن حسن. (۱۴۰۷ق). عمدة عیون صحاح الأخبار. قم: جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.

ابن حجر، احمد بن علی. (۱۳۲۵ق). تهذیب التهذیب. بیروت: دار صادر.

ابن حجر، احمد بن علی. (۲۰۰۲م). لسان المیزان. تحقیق سلمان ابوغدة، البشائر الإسلامية.

ابن خسرو بلخی، حسین بن محمد. (۱۴۳۱ق). مسند الامام ابی حنیفة. مکه مکرمه: الإمدادیة.

ابن دبیثی، محمد بن سعید. (۱۴۲۷ق). ذیل تاریخ مدینة السلام. بیروت: دارالغرب الإسلامي.

ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۳۰ق). جمال الأسبوع. قم: دارالرضی.

ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۷۶). الإقبال بالأعمال الحسنة. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۰۶ق). فلاح السائل و نجاح المسائل. قم: بوستان کتاب.

ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۱۳ق). التحصین لأسرار ما زاد من کتاب الیقین. قم: دارالکتاب.

ابن عدی، عبدالله بن عدی. (۱۴۱۸ق). الکامل فی ضعف الرجال. بیروت: دارالکتب العلمیة.

ابن عساکر، علی بن حسن. (۱۴۱۵ق). تاریخ مدینة دمشق. بیروت: دارالفکر.

ابن عنبه، احمد بن علی. (۱۴۱۷ق). عمدة الطالب فی أنساب آل ابی طالب. قم: انصاریان.

ابن غضائری، احمد بن حسین. (۱۳۶۴ش). الرجال. تحقیق محمدرضا حسینی جلالی. قم:

دارالحديث.

- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۰۸ق). البداية والنهاية. بيروت: دار إحياء التراث العربی.
- ابن مغازلی، علی بن محمد. (۱۴۲۴ق). المناقب. صنعاء: دار الآثار.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق. (۱۴۱۷ق). الفهرست. بیروت: المعرفة.
- ابوالغنائم نرسی، محمد بن علی. (۲۰۰۴م). فوائد الکوفیین. بی جا: دارالضیاء.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین. (۱۴۱۵ق). الأغانی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین. (۱۴۱۹ق). مقاتل الطالبیین. بیروت: الأعلمی.
- ابوزهره، محمد. (۱۴۲۵ق). الإمام زید؛ حياته و عصره. قاهرة: دارالفکر العربی.
- ابوزید قرشی، محمد بن ابی الخطاب. (بی تا). جمهرة أشعار العرب. بی جا: نهضة مصر.
- ابوطالب هارونی، یحیی بن حسین. (۱۴۲۲ق). تیسیر المطالب فی آمالی أئی طالب. صنعاء: مؤسسة الإمام زید بن علی الثقافية.
- ابوطاهر سلفی، احمد بن محمد. (۲۰۰۴م). المشیخة البغدادية. نسخة خطی منتشرشده در نرم افزار جوامع الکلم.
- ابویعلی خلیلی، خلیل بن عبدالله. (۱۴۱۴ق). الإرشاد فی معرفة علماء الحديث. دمشق: دارالفکر.
- ادفوی، جعفر بن ثعلب. (۱۹۶۶م). الطالع السعيد. بی جا: دارالمصرية.
- اصبهانی، اسماعیل بن محمد. (بی تا). سیر السلف الصالحین. ریاض: دارالرایة.
- اقبال، عباس. (۱۳۴۵). خاندان نوبختی. بی جا: زبان و فرهنگ ایران.
- اکبری، عمیدرضا. (۱۳۹۹ش). تفاوت طبقات اسناد ابوالفضل شیبانی. پایگاه اینترنتی الآثار. 16/shaiban.09/9alarasr.blog.ir/1399
- اکبری، عمیدرضا، و ذاکری، محمدتقی. (۱۴۰۰ش). بررسی تضعیف ابوالفضل شیبانی در تحریف و جعل اسناد. پژوهش نامه علوم حدیث تطبیقی، شماره ۱۴، ۱۳۶-۱۶۷.
- انصاری، حسن. (۱۳۹۰/۱۱/۱۱ش)، «ابوالفضل شیبانی و نسخه کتاب الشافی فی علوم الزیدیه»، پایگاه اینترنتی حلقه کاتبان. <https://ansari.kateban.com/post/1854>
- انصاری، حسن. (۱۳۸۶/۱۲/۲۹ش). متن کتاب شرف التربة از ابوالفضل شیبانی. پایگاه حلقه کاتبان. ansari.kateban.com/post/1335
- بیهقی، احمد بن حسین. (۱۴۲۳ق). شعب الإيمان. ریاض: الرشد.
- پاکتچی، احمد. (۱۳۷۳ش). ابوالفضل شیبانی. دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۶. تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

مشایخ یک راوی، منبعی برای شناخت بهتر او؛ نمونه: بررسی استادان...، محمد عافی خراسانی، حامد دزآباد ۲۲۳

پوناوالا، اسماعیل قربان حسین. (۱۴۰۱ش). سیر تاریخی آثار قاضی نعمان (۲). ترجمه و تعلیقات محمد عافی خراسانی. میراث شهاب، شماره ۱۰۹-۱۱۰، ۳-۴۵.

حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (۱۳۹۷ق). معرفة علوم الحديث. بیروت: دارالکتب العلمية. حسینی جلالی، محمدرضا. (۱۴۲۲ق). المنهج الرجالی لسید الطائفة آية الله العظمی البروجردی. قم: بوستان کتاب.

خراسانی (عافی)، محمد. (۱۴۰۰ش). توجه به اختلاف نسخه‌ها، سرچشمه‌ای برای فهم بهتر احادیث. پایگاه شبکه اجتهاد.

خزاز، علی بن محمد. (۱۴۰۱ق). کفایة الأثر. تحقیق عبداللطیف حسینی کوه‌کمره‌ای. قم: بیدار. خطیب بغدادی، احمد بن علی. (۱۴۰۷ق). موضح أوهام الجمع و التفریق. تحقیق عبدالمعطی امین قلعجی. بیروت: دارالمعرفة.

خطیب بغدادی، احمد بن علی. (۱۴۱۷ق). تاریخ بغداد. تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمية.

خطیب بغدادی، احمد بن علی. (۱۴۲۱ق). البخلاء. بیروت: دار ابن حزم. خطیب بغدادی، احمد بن علی. (۱۹۹۷م). المتفق و المفترق. دمشق: دارالقادری. خطیب بغدادی، احمد بن علی. (۲۰۰۰م). السابق و اللاحق. ریاض: دارالصمیعی. خطیب بغدادی، احمد بن علی. (بی تا[الف]). الجامع لأخلاق الراوی و آداب السامع. ریاض: المعارف.

خطیب بغدادی، احمد بن علی. (بی تا[ب]). شرف أصحاب الحديث. أنکارا: دار إحياء السنة النبوية. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۲۲ق). مبانى تکملة المنهاج. قم: إحياء آثار الإمام الخوئی. ذاکری، محمدتقی. (۱۳۹۸ش)، نقش ابوالفضل در روایات تاریخ اهل بیت علیهم السلام. رساله دکتري علوم قرآن و حدیث، جامعة المصطفی العالمية.

ذاکری، محمدتقی، و صفری فروشانی، نعمت‌الله. (۱۳۹۹ش). رویکرد ابوالفضل شیبانی به حدیث. مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، شماره ۶۷، ۱۵۷-۱۸۰.

ذهبی، محمد بن احمد. (۱۳۸۲ق). میزان الاعتدال. بیروت: دارالمعرفة.

ذهبی، محمد بن احمد. (۱۴۲۷ق). سیر أعلام النبلاء. قاهره: دارالحديث.

ذهبی، محمد بن احمد. (۲۰۰۳م). تاریخ الإسلام. بیروت: دارالغرب الاسلامی.

۲۲۴ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال هفدهم، شماره سی و چهارم، پاییز و زمستان ۱۴۰۴، ص ۲۰۰-۲۳۲

رافعی قزوینی، عبدالکریم بن محمد. (۱۴۰۸ق). التدوین فی اخبار قزوین. بیروت: دارالکتب العلمیة.
 رامهرمزی، حسن بن عبدالرحمن. (۱۴۰۴ق). المحدث الفاصل بین الراوی والواعی. تحقیق محمد
 عجاج الخطیب. بیروت: دارالفکر.
 رحمتی، محمدکاظم، و رضایی، علی اکبر. (۱۳۹۹ش). ابوالفضل شیبانی. دانشنامه جهان اسلام،
 ج ۲۸.

زراری، احمد بن محمد. (۱۳۶۹). رسالة أبي غالب الزراري. قم: مركز البحوث و التحقيقات الإسلامية.
 زيد بن علي. (بی تا). مسند الامام زيد. بیروت: دارالکتب العلمیة.
 سلمی، محمد بن حسین. (۱۴۲۴ق). طبقات الصوفیة. بیروت: دارالکتب العلمیة.
 سمعانی، عبدالکریم. (۱۳۸۲ق). الأنساب. حیدرآباد: دائرة المعارف العثمانیة.
 سیاغی، حسین بن احمد. (بی تا). الروض النضیر. بیروت: دارالجليل.
 شبیری زنجانی، سید موسی. (۱۴۱۹ق). کتاب نکاح. قم: رأی پرداز.
 شریف علوی، محمد بن علی. (۱۴۲۴ق). تسمیة من روى عن الإمام زيد بن علی. صنعاء: مؤسسة
 الإمام زيد الثقافية.

شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. (۱۳۶۴). الملل و النحل. قم: الرضى.
 شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۰۷ق). الأربعون حدیثا. قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام.
 صدوق، محمد بن علی. (۱۳۶۲). الخصال. تحقیق علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسين حوزه علمیه
 قم.

صدوق، محمد بن علی. (۱۳۷۶). الأمالی. تهران: کتابچی.
 طبری صغیر، محمد بن جریر (منسوب). (۱۴۱۳ق). دلائل الإمامة. قم: بعثت.
 طوسی محمد بن حسن. (۱۳۷۳). رجال الطوسی. تحقیق جواد قیومی اصفهانی. قم: جامعه مدرسين
 حوزه علمیه قم.

طوسی محمد بن حسن. (۱۳۹۰ق). الاستبصار. تحقیق حسن موسوی خراسان. تهران: دارالکتب
 الإسلامية.

طوسی محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام (المشیخة). تحقیق حسن موسوی خراسان. تهران:
 دارالکتب الإسلامية.

طوسی محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). الأمالی. قم: دارالثقافة.
 طوسی محمد بن حسن. (۱۴۲۰ق). فهرست کتب الشيعة. تحقیق عبدالعزيز طباطبائی. قم: ستاره.

مشایخ یک راوی، منبعی برای شناخت بهتر او؛ نمونه: بررسی استادان...، محمد عافی خراسانی، حامد دزآباد ۲۲۵

عافی خراسانی، محمد. (۲۰۲۱م). بررسی قرب اسناد ابوالفضل شیبانی. کانال معرفة الرجال والآثار. عافی خراسانی، محمد. (۱۴۰۰ش[الف]). بررسی و بازسازی کتاب‌های ابوالفضل شیبانی. آینه پژوهش، شماره ۱۹۱.

عافی خراسانی، محمد. (۱۴۰۰ش[ب]). بررسی شخصیت حدیثی ابوبکر جعابی و جایگاه او در میراث روایی فریقین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

عافی خراسانی، محمد. (۱۴۰۱ش[الف]). سفرهای محدثان، سرنخی برای شناخت آن‌ها و روزگارشان؛ مطالعه موردی سفرهای ابوالفضل شیبانی. مجله علوم حدیث، شماره ۱۰۶.

عافی خراسانی، محمد. (۱۴۰۱ش[ب]). فرایند تمییز مشترکات و توحید مختلفات و تطبیق آن بر نام‌های ابوالفضل شیبانی. علوم حدیث، شماره ۱۰۴.

عافی خراسانی، محمد، و شهیدی، روح‌الله. (۱۴۰۲ش). روش بازشناسی مذهب راویان؛ مطالعه موردی مذهب ابوبکر جعابی. حدیث پژوهی، شماره ۲۹.

عافی خراسانی، محمد. (۱۴۴۲ق). مقدمه تحقیق احادیث امیرالمؤمنین علی علیه السلام بروایة عبدالعظیم الحسنی (من مخطوطات الزیدیه). تألیف قاضی جعفر یمانی. قم: دارالحدیث.

قاضی جعفر یمانی بهلولی، جعفر بن احمد. (۱۴۴۲ق). احادیث امیرالمؤمنین علی علیه السلام بروایة عبدالعظیم الحسنی و إملاء القاضی جعفر الیمانی (من مخطوطات الزیدیه). تحقیق محمد عافی خراسانی. قم: دارالحدیث.

قاضی جعفر یمانی بهلولی، جعفر بن احمد، احادیث امیرالمؤمنین علی علیه السلام. تاریخ کتابت: ۹۶۶ق، نام ناسخ: یحیی بن ابراهیم بن صلاح، ۶ صفحه، جای نگهداری: صنعاء: مؤسسة الإمام زید بن علی الثقافية، لوح فشرده ۳۵، مجموع ۱ (شماره ۰۳۵-۰۱).

قاضی جعفر یمانی بهلولی، جعفر بن احمد، احادیث امیرالمؤمنین علی علیه السلام. بدون تاریخ کتابت، بدون نام ناسخ، ۱۰ صفحه، جای نگهداری: صنعاء: مؤسسة الإمام زید بن علی الثقافية، لوح فشرده ۳۲۱، مجموع ۶ (شماره ۰۳۲۱-۰۶).

قاضی عیاض، عیاض بن موسی. (۱۴۲۳ق). جمهرة تراجم الفقهاء المالکية. دبی: دارالبحوث للدراسات الإسلامية.

قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة‌الله. (۱۴۰۹ق). الخرائج و الجرائح. قم: مؤسسه امام مهدی علیه السلام. محلی، حمید بن احمد. (۱۴۲۳ق). الحدائق الوردية فی مناقب الأئمة الزيدية. صنعاء: مكتبة بدر.

مددی موسوی، احمد. (۱۳۹۲/۷/۶ش). درس خارج فقه. www.ostadmadadi.ir

۲۲۶ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال هفدهم، شماره سی و چهارم، پاییز و زمستان ۱۴۰۴، ص ۲۰۰-۲۳۲

المرشد بالله، یحیی بن حسین. (۱۴۲۲ق). الأملی الخمیسیة. تحقیق محمد حسن اسماعیل. بیروت: دارالکتب العلمیة.

مسعودی، علی بن حسین. (۱۴۰۹ق). مروج الذهب. قم: هجرت.

نجاشی، احمد بن علی. (۱۳۶۵). رجال النجاشی. تحقیق موسی شبیری زنجانی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷ق). الغیبة. تحقیق علی اکبر غفاری. تهران: نشر صدوق.

وجیه، عبدالسلام. (۱۴۳۹ق). أعلام المؤلفین الزیدیة. مؤسسة الإمام زید بن علی الثقافية.

یاقوت حموی، شهاب الدین ابو عبدالله. (۱۹۹۳م). معجم الأدباء. بیروت: دار الغرب الإسلامی.

References

- Abu al-Faraj Isfahani, A. (1994). *al-Aghani*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Abu al-Faraj Isfahani, A. (1998). *Maqatil al-Talibiyyin*. Beirut: al-Alami. [In Arabic]
- Abu al-Ghana'im al-Narsi, M. (2004). *Fawa'id al-Kufiyyin*. No place: Dar al-Diya. [In Arabic]
- Abu Tahir Salafi, A. (2004). *al-Mashikha al-Baghdadiyah*. Jawame al-Kalam. [In Arabic]
- Abu Talib Haruni, Y. (2001). *Taysir al-Matalib fi Amali Abi Talib*. Sana'a: Mu'assasah al-Imam Zayd bin Ali al-Thaqafiyyah. [In Arabic]
- Abu Ya'la Khalili, K. (۱۹۹۳). *al-Irshad fi Ma'rifat Ulama' al-Hadith*. Damascus: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Abu Zahra, M. (2004). *al-Imam Zayd; Hayatuhu wa Asruhu*. Cairo: Dar al-Fikr al-Arabi. [In Arabic]
- Abu Zayd Qurashi, M. (nd). *Jamharah Ash'ar al-Arab*. No place: Nahdat Misr. [In Arabic]
- Adfawi, J. (1966). *al-Tali al-Sa'id*. No place: Dar al-Masriyah. [In Arabic]
- Afi Khorasani, M (2021), "Barrasi Qurb Asnād Abu al-Mufaḍḍal Shaybānī", canal Ma'rifat al-Rijāl wa al-Athār. [In Persian]
- Afi Khorasani, M (2021), "Barrasi va Bāzsazī Ketābhā-ye Abu al-Mufazzal Shaybānī", *Ayneh-ye Pazhuhash*, n.191. [In Persian]
- Afi Khorasani, M (2022), "Farāyand-e Tamīz Moshtarakāt va Tawhīd Mokhtalifāt va Taqbīq ān bar Nām-hā-ye Abu al-Mufazzal Shaybānī", *Ulūm Ḥadīth*, n. 104. [In Persian]

- Afi Khorasani, M (2022), "Safarhā-ye Muḥaddithān, Sarnakhī barāye Shenakhte ānhā va Rūzgārānhā; Muṭāle'e Moredī Safarhā-ye Abu al-Mufazzal Shaybānī", ' *Ulūm Ḥadīth*. n.106. [In Persian]
- Afi Khorasani, M; Shahīdī, Rūḥallāh (2023), "Ravesh-e Bāzshenasī Madhhab-e Rāwiyān; Muṭāle'e Moredī Madhhab-e Abū Bakr Jī'ābī", *Ḥadīth Pazhūhī*, n. 29. [In Persian]
- Akbari, A. (2020). "Tafavot Tabaqat Asnad Abu al-Mafddal Shaybani". al-Asar Website. (alasar.blog.ir/13999/09/16/shaiban) [In Persian]
- Akbari, A; Zakeri, M. (2021). "Barresi Taz'if Abu al-Mafddal Shaybani dar Tahrif va Ja'al Asnad". *Pazhooheshnameh Ulum Hadith Tatbiqi*, N14, p136-167. [In Persian]
- al-Murshid Billah, Y. (2001). *al- Amali al- Khamisiyya*. Ed. Muhammad Hasan Ismail. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiya. [In Arabic]
- Ansari, H (2007), "Matn Kitab Sharaf al-Turbah az Abu al-Mufaḍḍal Shaybani ", Halqeh Katban Website (29/12/1386sh). [In Persian]
- Ansari, H. (2011) "Abu al-Mufaḍḍal Shaybani va Nuskhehey Kitab al-Shafi fi ulume al-Zaidiyyah", Halqeh Katban Website (11/11/1390sh). [In Persian]
- Bayhaqi, A. (2002). *Shū ab al- Iman*. Riyadh: al-Rushd. [In Arabic]
- Dhahabi, M. (1962). *Mizan al- I tidal*. Beirut: Dar al-Ma'arifah. [In Arabic]
- Dhahabi, M. (2003), *Tārikh al- Islām*, Beirut: Dār al-Gharb al-Islāmi.
- Dhahabi, Muhammad bin Ahmad. (2006). *Siyar A lam al- Nubalā* . Cairo: Dar al-Hadith. [In Arabic]
- Hakim Nayshaburi, M. (1977). *Mā rifah` Ulum al- Hadith*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic]
- Husayni jalali, M. (2001). *al-Manhaj al-Rijali li Sayyid al- Tā ifah Ayatollah al- Uzma al- Borujerdi*. Qom: Bustan Kitab. [In Arabic]
- Ibn Abi al-Rijal, A. (2004). *Matlā al- Budur va Majma' al- Buhur*. Yemen: Markaz al-Turath va al-Buhuth al-Yamani. [In Arabic]
- Ibn Adi, A. (1997). *al- Kamil fi Dū afa al- Rijal*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah. [In Arabic]
- Ibn al-Ghada'iri, A. (1985). *al- Rijal*. Ed. Muhammad reza Husayni Jalali. Qom: Dar al-Hadith. [In Arabic]
- Ibn Asakir, A. (1994). *Tarikh Madinat Dimashq*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Ibn Athir, A. (1965). *al- Kamil fi al- Tarikh*. Beirut: Dar Sader. [In Arabic]

- Ibn Bitriq, Y. (1986). *Umdah U yun Şahîh al-Akhbar*. Qom: Jame'eh Modarresin Howzeh Ilmiyyah Qom. [In Arabic]
- Ibn Dabithi, M. (2008). *Zayl Tārikh Madīnat al-Salām*, Beirut: Dār al-Gharb al-Islāmi.
- Ibn Hajar, A. (1907). *Tahdhib al-Tahdhib*. Beirut: Dar Sader. [In Arabic]
- Ibn Hajar, A. (2002). *Lisan al-Mizan*. Ed. Salman Abu Ghadah, al-Basha'ir al-Islamiyah. [In Arabic]
- Ibn I'nabah, A. (1996). *'Umdah al-Talib fi Ansab Al Abi Talib*. Qom: Ansarian. [In Arabic]
- Ibn Kathir, I. (1988). *al-Bidayah wa al-Nihayah*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Ibn Khosrow Balkhi, H. (2010). *Musnad al-Imam Abi Hanifah*. Mecca: al-Imdadiyah. [In Arabic]
- Ibn Maghazili, A. (2003). *al-Manaqib*. Sana'a: Dar al-Athar. [In Arabic]
- Ibn Nadim, M. (1996). *al-Fihrist*. Beirut: al-Ma'rifah. [In Arabic]
- Ibn Tawus, A. (1912). *Jamal al-Usbū*. Qom: Dar al-Razi. [In Arabic]
- Ibn Tawus, A. (1986). *Falah al-Sā'il wa Najah al-Masā'il*. Qom: Bustan Kitab. [In Arabic]
- Ibn Tawus, A. (1992). *al-Tahsin li Asrar Ma Zad min Kitab al-Yaqin*. Qom: Dar al-Kitab. [In Arabic]
- Ibn Tawus, A. (1997). *al-Iqbal bil-'A'mal al-Hasanah*. Qom: Daftar Tablighat Islami. [In Arabic]
- Ibn thabit, M. (2006). *Dhayl Tarikh Madinat al-Salam*. Beirut: Dar al-Gharb al-Islami. [In Arabic]
- Iqbal, A. (1966). *Khandan Nowbakhti*. No place: Zaban va Farhang Iran. [In Persian]
- Isfahani, I. (nd). *Siyar al-Salaf al-Şalih in*. Riyadh: Dar al-Rayah. [In Arabic]
- Khatib al-Baghdadi, A. (1997). *al-Muttafaq wa al-Muftaraq*. Damascus: Dar al-Qadiri. [In Arabic]
- Khatib al-Baghdadi, A. (2000). *al-Bukhalā*. Beirut: Dar Ibn Hazm. [In Arabic]
- Khatib al-Baghdadi, A. (2000). *al-Sabiq wa al-Lahiq*. Riyadh: Dar al-Sumai'i. [In Arabic]
- Khatib al-Baghdadi, A. (nd a). *al-Jami li Akhlaq al-Rawi wa Adab al-Sami*. Riyadh: al-Ma'arif. [In Arabic]
- Khatib al-Baghdadi, A. (nd b). *Sharaf Ashab al-Hadith*. Ankara: Dar Ihya al-Sunnah al-Nabawiyah. [In Arabic]
- Khatib Baghdadi, A. (1987). *Muwduh Awham al-Jami va al-Tafriq*. Ed. Abdul-Mu'ti Amin Qalaji. Beirut: Dar al-Ma'rifah. [In Arabic]

- Khatib Baghdadi, A. (1996). *Tarikh Baghdad*. Ed. Mustafa Abdul-Qadir Ata. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah. [In Arabic]
- Khazzaz, A. (1981). *Kifayat al-Athar*. Ed. Abd al-Latif Husayni Kuh Kamrei. Qom: Bidar. [In Arabic]
- Khorasani (Afi), M. (2021). "Tawajjoh be ekhtelaf noskheh-ha sarcheshmeh-i baraye fahm behtar ahadith". Shabakeh Ejtihad website. [In Persian]
- Khuei, S. A.Q. (2001). *Mabanī Takmile al-Minhaj*. Qom: Ihya' Aathar al-Imam al-Khoei. [In Arabic]
- Madadi Mousavi, A. (2013). Seminary higher level lesson session.)Dars Kharej Fiqh). (6/7/1392) www.ostadmadadi.ir [In Persian]
- Mas'udi, A. (1989). *Muruj al-Dhahab*. Qom: Hijrat. [In Arabic]
- Muhalli, H. (2002). *al-Hadā'iq al-Wardiyya fī Manaqib al-A'imma al-Zaidiyya*. Sana'a: Ketabkhaneh-ye Badr. [In Arabic]
- Najashi, A. (1986). *Rijal al-Najashi*. Ed. Musa Shubeyri Zanjani. Qom: Jam'iyeh-ye Modarresin Hawzeh Ilmiyah-ye Qom. [In Arabic]
- Nu'mani, M. (1977). *al-Ghaybah*. Ed. Ali Akbar Ghafari. Tehran: Nashr Saduq. [In Arabic]
- Pakatchi, A. (1994). "Abu al-Mufaddal Shaybani". *Dā'irat al-Ma'arif Bozorg Islami*, V6. Tehran: Markaz-e Da'irat al-Ma'arif Bozorg-e Islami. [In Persian]
- Poonawala, I. (2022). "Seyr Tarikhi Aathar Qadi Na'man (2)". Translation and annotations: Muhammad Afi Khurasani. *Mirath Shahab*, n 109-110, p3-45. [In Persian]
- Qadi 'Iyad, 'I. (2002). *Jamharah Tarajim al-Fuqahā al-Malikiyya*. Dubai: Dar al-Buhuth lil-Dirasat al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Qadi Ja'far Yamani Buhluli, J. *Ahadith Amir al-Mu'minin Ali(AS)*. nd. Storage location: Sana'a: Mu'assasah al-Imam Zayd bin Ali al-Thaqafiyyah (n. 321-06). [In Arabic]
- Qadi Ja'far Yamani Buhluli, J. *Ahadith Amir al-Mu'minin Ali(AS)*. Date of manuscript writing: 1559. Storage location: Sana'a: Mu'assasah al-Imam Zayd bin Ali al-Thaqafiyyah (n. 35-01). [In Arabic]
- Qutb al-Din Rawandi, S. (1989). *al-Kharaej wa al-Jarā'ih*. Qom: Mu'asseseh-ye Imam Mahdi (AS). [In Arabic]
- Rafā'i Qazwini, A. (2003). *al-Tadwīn fī Akhbār Qazwīn*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah.
- Rahmati, M.; Rizā'i, A. (2022), "Abu al-Mufazzal Shaybānī", *Dāneshnāmeh-ye Jahān-e Islām*, J28.

- Ramahurmuzi, H. (2003), *al-Muhaddith al-Fāṣil bayn al-Rāwī wa al-Wāḍi*, Ed. Muhammad Ajjaj al-Khaṭīb, Beirut, Dār al-Fikr.
- Ṣadūq, M. (2005), *al-Khiṣāl*, Ed. Ali Akbar Ghafārī, Qom: Jāme'ah Mudarrisīn.
- Ṣadūq, Muhammad bin Ali (2018), *al-Amālī*, Tehran: Ketābchī.
- Sam'ānī, A. (2003), *al-Ansāb*, Hyderabad: Dā'irah al-Ma'ārif al-Othmāniyyah.
- Shahīd Awwal, M. (2004), *al-Arbā'ūn Ḥadīth*, Qom: Madrasah al-Imām al-Mahdī (aj).
- Shahrastānī, M. (2005), *al-Milal wa al-Niḥal*, Qom: al-Rāḍī.
- Sharif Alavi, M. (2017), *Tasmīyat Man Rāy' an al-Imām Zayd bin Ali*, San'a, Mu'assasat al-Imām Zayd al-Thaqafiyyah.
- Shubayrī Zanjānī, S. M. (2001), *Kitāb-e Nikāḥ*, Qom: Ra'y-Pardāz.
- Siyāghī, H. (nd), *al-Rawd al-Nadīr*, Beirut: Dār al-Jīl.
- Sullamī, M. (2017), *Ṭabaqāt al-Ṣūfiyyah*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah.
- Ṭabarī Ṣaghīr, M. (ascribed to him) (2006), *Dalāl il al-Imāmah*, Qom: Ba'athat.
- Ṭūsī, M. (2007), *al-Amālī*, Qom: Dār al-Thaqāfah.
- Ṭūsī, M. (2009), *al-Istibsār*, Ed. Hasan Mūsavī Khurāsānī, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.
- Ṭūsī, M. (2019), *Fihrist Kū tū b al-Shī'ah*, Ed. Abdulazīz Ṭabāṭabāī, Qom: Sitāreh. [In Arabic]
- Ṭūsī, M. (2019), *Rijāl al-Ṭūsī*, Ed. Javad Qiyūmī Isfahānī, Qom: Jāme'ah Mudarrisīn.
- Ṭūsī, Muhammad bin Ḥasan (2006), *Tahdhib al-Aḥkām (al-Mashīkhah)*, Ed. Hasan Mūsavī Khurāsānī, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.
- Wajih, A. (2018). *A'lam al-Mu'allifin al-Zaydiyya*. Sana'a: Mu'assasah Imam Zayd bin Ali al-Thaqafiyyah. [In Arabic]
- Yaqut Hamawi, S. (1993). *Mu'jam al-Udabā'*. Beirut: Dar al-Gharb al-Islami. [In Arabic]
- Zakeri, M. (2021). *Naqsh Abu al-Mafaddal dar riwayat tarikh Ahl al-Bayt (AS)*, Doctoral thesis Ulum Quran va Hadith, Jami'at al-Mustafa al-'Alamiyyah. [In Persian]
- Zakeri, M.; Safari furushani, N. (2020). "Ruykard-e Abu al-Mufaddal al-Shaybani beh Hadith". *Mutalā'at Tarikhi Quran va Hadith*, n 67. [In Persian]
- Zayd bin Ali (nd), *Musnad al-Imām Zayd*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah.
- Zurārī, A. (2020), *Risālat Abī Ghalīb al-Zurārī*, Qom: Markaz al-Buḥūth wa al-Taḥqiqat al-Islāmiyyah.

The transmitter's teachers, a source to know him better; Example: A survey of the teachers of Abul Mufaddal al-Shaybani

Muhammad Afi Khorasani

Ph.D student of Quran and Hadith Studies, University of Tehran, Farabi College, Qom, Iran, (corresponding author). Email: m.afi@ut.ac.ir

Hamed Dejabad

Associate Professor of the Quran and Hadith Department, Farabi College, University of Tehran, Qom, Iran. Email: h.dejabad@ut.ac.ir

Received: 03/01/2024

Accepted: 17/03/2024

Introduction

It seems that regardless of the Rajali sources, there are other evidences that can reveal other aspects of the transmitters' personality in some cases. One of these evidences is the examination of transmitter's Hadith Chains of tradition (Silsilah Sanad) and the contents of the hadiths of the transmitter; So that even in the sources of Rajali, sometimes the exact same method has been used to judge the transmitter.

One of the most important aspects of analyzing the Sanads of a transmitter is the examination of his teachers and Shaykhs. It seems that the knowledge and analysis of the transmitter's teachers can be a document - although weak - to discover significant points about the transmitter from various aspects, including his personality, interests and religious affiliations. This article seeks to analyze the hadith documents of Abu al-Mufaddal - one of the most active muhaddiths in the Shia and Sunni hadith fields - and by focusing on the analysis of his teachers, to examine these three axes in a more detailed understanding of him and to explore a new path in discovering his personality traits, independent of the Rijali sources.

Materials and Methods

In the beginning, you must collect the names of the transmitter's teachers, and for this purpose, one should not be limited to the authoritative sources that list the names of the transmitter's teachers, but one should consider all the hadith's Sanads, etc., in which the transmitter's name is mentioned, and thus compile the list of his teachers completely. Then, the teachers that he narrated a lot from should be separated from the other teachers because it's much more likely that the transmitter is influenced by the first group. And in general, we have to examine each and every one of his teachers from different respects such as religion, mindset, Hadith approaches, interests, personality, and if possible, compare them with the documents left by the transmitter himself to clarify the gravity of their influence on him.

Results and Findings: Some of Abu al-Mufaddal's teachers who probably had an impact on his personality are as follows: Muhammad bin Salih Ijli Sawi, who was the teacher of literature and etiquette of Abu al-Mufaddal and his first teacher. There are

traces of Imamism in him, which is very noteworthy. However, among his many teachers, it seems that he has remarkable similarities with his teacher, Ibn Uqda, in various points, such as: intellectual confrontation with Ahl al-Hadith despite interacting with them in the transmission of hadiths, interest in writing on some special topics, fascination with collecting as many hadiths as possible and reaching the rank of "Hāfīz" and similarities in religious affiliations. Considering the set of these similarities, it seems that his influence from Ibn Ughda cannot be denied, and no other hadith figures can be found who has this volume of various evidences in influencing Abu al-Mufaḍḍal. Also, Abu al-Mufaḍḍal has been student of a considerable number of followers of various religions and schools of thought, some of these teachers were among the great figures in that religion. Such a thing at this level is rarely seen in the Imami Muhaddiths.

Conclusion

By looking at all the teachers of Abu al-Mufaḍḍal and comparing their approaches, the following points about Abu al-Mufaḍḍal become clear: Considering Ijli Sawi's affiliates with Imamiya and that he was the teacher of etiquette and literature of Abu al-Mufaḍḍal, the probability of Abu al-Mufaḍḍal's affiliates with Imamiya - at least in the early stages of his life - is high. However, among the numerous teachers of Abu al-Mufaḍḍal, he is probably the most influenced by Ibn Ughda, including in the following issues: how to interact with Ahl al-Hadith, hadith approaches and some religious tendency. The amount of religious diversity among Abu al-Mufaḍḍal's teachers is very high, and this probably can be an indication of Abu al-Mufaḍḍal's religious tolerance and his great interest in reaching the position of "Hāfīz". The analysis of Abu al-Mufaḍḍal's teachers shows that even if he was an Imami, apparently he was not trained in the hadith schools of the Imamiyyah, and as a result, in his etiquettes, he did not resemble the Imami hadith scholars much, and because he received hadiths from different schools of thought, such as the Zaydiyyah and the Ashab al-Hadith, he probably received some influences from them - at least in the Ulum al-Hadith and its methods - however, he had serious differences with the Ashab al-Hadith, both in terms of thought and method.

Keywords: Abul al-Mufaḍḍal al-Shaybani, Ibn Ughda, Hadith teachers and students, the influence of hadith teachers on students, Identifying the character of the transmitters.